

فراماسونری

از ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد.



نشان فراماسونری، گونیا و پرگار

فراماسونری یا **فراموشخانه** جمع کانونهای برادری گسترده‌ای در جهان است. این کانونها ریشه‌های بسیار کهنی در **اروپای غربی** دارند.

فراماسونری **یک** سازمان نیست، بلکه کانونهای مختلفی فراماسون هستند. برخی از اینها با هم در رابطه‌اند یا کانون بزرگ‌تری را تشکیل می‌دهند. برخی دیگر کم و بیش یا کاملاً مستقل‌اند.

واژه فراماسونری احتمالاً از freestone mason گرفته شده. freestone mason در **انگلیسی** به معنی **سنگتراش ظریف کار** است. برخی واژه فراماسونری را **بنای آزاده** میدانند یعنی بنایی که بدون مزد کار نمی‌کند. در **ایران** دوره **قاجار** به دلیل اینکه فراماسونری اولین حرکت **روشنفکری** بوده و فشارهای متعددی از سوی **حکومت** و نیز **روحانیون** بر **روشنفکران** و افکار جدید آنان اعمال می‌شده است، فراماسونری در ایران به نام انجمن سری و یا فراموشخانه معروف شد. اعضا از میان روزنامه نگاران و تحصیل کردگان در غرب انتخاب شده و در مراسمی قسم می‌خوردند که تمامی بحثها و گفته‌ها در این انجمن را به بیرون درز ندهند و هر آنچه می‌شنوند را فراموش کنند. این انجمن جلسات خود را در خانه‌های اعضایش برگزار می‌کرده و در ایران **لژ** فراماسونری بوجود نیامد. به دلیل خفقان حاکم در آن زمان فراماسونری در ایران از حد گردهماییهای نامنظم فراتر نرفت و از طرفی ساختار بسته و سری آن موجب بروز تردیدها و بدبینی توده مردم شد. کسی که عضو فراماسونری است **فراماسون** یا **ماسون** نامیده می‌شود. ساختمان‌ی که مرکز فعالیت ماسونهاست **لژ** نامیده می‌شود.

[ویرایش] تاریخ

پیدایش اصناف

در دورانی از **قرون وسطی** که دوران فئودالی یا میانه نامیده می‌شود یعنی از سال ۸۰۰ تا سال ۱۲۰۰ میلادی صنعتگری در **اروپای غربی**، بعد از تقریباً ۵۰۰ سال رکود، رشد کمی نشان داد. صنعتگران در این دوران کم کم متحد شده و اصنافی تشکیل دادند. در این اصناف شاگردان، که بیشترشان شغل پدرشان را ادامه می‌یابست میدادند، آموزش میدیدند. این اصناف از منافع اعضای خود دفاع می‌کرده و روابطی با اصناف هم صنعت نیز داشتند.

در دوران فنودالی قرون وسطی بنایان نیز مانند دیگر صنعتگران اصنافی تشکیل دادند. واژه انگلیسی برای بنا **ماسون** است. واژه‌های که به ماسون شباهت دارند، به همین معنی بنا، در چند زبان دیگر اروپای هم به کار برده می‌شده و می‌شوند.

شکوفایی اصناف

دوران پایانی **قرون وسطی** سال ۱۲۰۰ تا سال ۱۵۰۰ میلادی است. **رنسانس ایتالیا** هم در این دوره است (تقریباً از سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۵۰۰).

در این دوران صنعتگری در **اروپای غربی** رشدی کرد که در هزار سال پیش از آن دیده نشده بود. یکی از نتایج این رشد شکوفایی اصناف بود. یک نتیجه دیگر این بود که ظریف کاری در بنایی بیشتر شد. بنایان ظریف کار و سنگتراشان ظریف کار اصناف خود را تشکیل دادند. 'فریستون میسون' (فراماسون) در انگلیسی به معنی سنگتراش ظریف کار است. در طول دوران پایانی قرون وسطی برخی از فراماسونها کارشان بیشتر معماری و هنرمندی شد. این طور اصناف اینها، که در **انگلستان** و **اسکاتلند لژ** (یعنی کلبه بنایان) نامیده میشه، کم کم جنبه روشنفکری پیدا کرد.

با وجود رشد اقتصادی، سنگتراشی و به ویژه ظریف کاری در ساختمانها نادر بوده و معمولاً به ساختمانهای مذهبی محدود می‌شده. به این دلیل فراماسونها برای کار از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر می‌رفتند. تقریباً تا سال ۱۵۰۰ میلادی تحرک در اروپای غربی بسیار کم بوده. برای این فراماسونها جزو مردان جهان دیده بوده اند.

اصناف فراماسونها مانند اصناف دیگر قرون وسطی سنن، عرف، قوانین و رمز و راز خود را داشته اند. جنبه 'بین‌المللی' فراماسونها سنن را پیچیده تر می‌کند. فراماسون ها بایستی چهار اصل را می پذیرفتند: 1. هر شهر باید با اجازه ی لژ بزرگ تاسیس شود. 2. هر عضو باید به معمار بزرگ جهان اعتقاد داشته باشد. 3. زن ها حق عضویت ندارند. 4. وارد مسایل مذهبی و سیاسی نشده، ضوابط فراماسونی را رعایت کنند.

دگرگونی اصناف:

پیدایش فرقه‌های عرفانی، کانونهای روشنفکری و کانونهای پنهانی

در طول قرنهای ۱۶ و ۱۷ میلادی رشد اقتصادی در **اروپای غربی** بیشتر از قرنهای پیش شد. این همراه با رشد در علم، هنر، صنعت، بازرگانی و دیگر جنبه ها باعث دگرگونی بافتهای اجتماعی شد.

برخی از اصناف فراماسونها یا لژهای فراماسونها در طول قرنهای اصناف معماری شدند. به طور کلی این لژها پر از فرهیختگان بودند چون که معماران نسبت به دیگر صنعتگران دارای علم و دانش بیشتر بوده و چون فراماسونها جهان دیده تر بوده اند.


در طول قرنهای ۱۶ و ۱۷ میلادی برخی از لژهای معماری، غیر معماران را نیز به جلسات خود راه می‌دهند. روند این پدیده باعث می‌شود که لژها به کانونهای روشنفکری تبدیل شوند.

[ویرایش] پیوند به بیرون

نقش فراماسونری در تحولات تاریخ معاصر ایران

ضرورت توجه به نقش پنهان فراماسونری در تحولات تاریخ معاصر ایران

زمان , تاریخ و منبع ارسال 20.07 @ Nov 2005 => Ravabet Omomi :

 دوره قاجار در تاریخ معاصر ایران به دلایل متعددی که عمده‌ترین آنها ارتباط نزدیک ایران با کشورهای عربی است، دارای اهمیت بسیار است. توجه غربی‌ها به ایران در این دوره در چارچوب رقابت‌های استعماری انگلستان، روسیه و فرانسه شکل گرفت .

روند وابستگی جامعه ایران به غرب با ورود اولین دسته از ایرانیان به مجامع فراماسونری که در آغاز منحصر به سفرا و محصلان اعزامی به اروپا بود، تشدید شد و رفته‌رفته با گسترش یافتن شبکه لژهای فراماسونری و افزایش اعضای آن که عمدتاً از میان طبقات صاحب نفوذ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی گزینش می‌شدند، ابعاد گسترده‌تری یافت .

فراماسونری یکی از عوامل مؤثر در تحولات است که باید در کنار سایر عوامل به نحو شایسته مورد بررسی و تعمیق قرارگیرد. فقدان یک مفهوم روشن از فراماسونری در بین افراد جامعه و حتی مجامع علمی و دانشگاهی از تبعات دیگر این بی‌توجهی است که منجر به کلی‌گویی، ساده‌انگاری، و بزرگنمایی در اظهارات و مکتوبات شده است .
درخصوص کم‌توجهی به نقش فراماسونری در تحولات تاریخ معاصر معمولاً توجیحات زیر عنوان می‌شود :

اعضای لژ بیداری: ۱- میرزا ابوالحسن فروغی ۲- وقار السلطنه وصال ۳- عزت‌الله خان عز‌الملک ۴- دبیرالملک بدر ۵- شیخ مرتضی نجم‌آبادی ۶- سیدنصرالله تقوی ۷- شیخ ابراهیم زنجانی ۸- ذکاءالملک فروغی ۹- عباسعلی خان تربیت ۱۰- همایون سیاح ۱۱- ارباب کیخسرو شاهرخ ۱۲- محمدخان غفاری (کمال‌الملک)

الف: کمبود اسناد و اطلاعات.

ب: کم اهمیت دانستن موضوع.

عده‌ای که غالباً یا ماسون هستند و یا اطلاعات جامعی از ماهیت این جمعیت ندارند بر این باورند و یا چنین وانمود می‌کنند که فراماسونری اساساً یک حرکت اخلاقی است و اصلاً موضوعیت سیاسی ندارد. منظور این عده از طرح چنین دیدگاهی کم اهمیت نشان دادن تأثیر فراماسونری در تحولات تاریخ معاصر است و با همین انگیزه از طرح هرگونه بحثی در این زمینه خودداری می‌کنند. این ایراد بر نظریه توطئه که به شکل افراطی و گاه سطحی سعی در نسبت دادن وقایع به عوامل خارجی و مراکز توطئه‌گر دارد وارد است، اما از سوی دیگر باید دانست که توطئه‌گران هیچ‌گاه به شکلی آشکار و عریان اقدام نمی‌کنند تا بتوان فعالیت آنان را با معیارهای رایج مورد بررسی قرار داد.

نمونه‌ای از این‌گونه نگرش به تحولات تاریخ معاصر ایران را می‌توان در مقاله آقای احمد اشرف در فصلنامه گفتگو شماره ۸ مشاهده کرد. نویسنده که در سرتاسر مقاله خود اصرار در رد نظریه توطئه دارد، خود گرفتار آن شده و توهم توطئه را در خصوص فراماسونری ناشی از توطئه دربار و غیره می‌داند. در منابع از عسگرخان افشار رومی به عنوان اولین فراماسون ایرانی نام برده‌اند. وی در ضمن انجام یک مأموریت سیاسی که عبارت بود از جلب حمایت ناپلئون به نفع ایران در جنگ‌های ایران و روس، به وسیله جاسوسان انگلیسی در فرانسه شکار شد و به عضویت از فراماسونری طریقت پاریس (order of Paris) درآمد. دومین فراماسون ایرانی میرزا ابوالحسن‌خان ایلچی است که در ۱۲۲۴ از طرف فتحعلی شاه به انگلستان رفت و از همان ابتدا تحت تأثیر شئون مادی و نفسانی تمدن

غرب قرار گرفت .

اعزام ارنست پرون و دکتر هومن به کنگره لژ گراند اوریان فرانسه با موافقت محمدرضا پهلوی

بعد از این دوره ایرانیان دیگری نیز که به خارج سفر کردند در این سازمان جذب شدند، افرادی نظیر مهندس میرزا صالح شیرازی، میرزا جعفر مهندس که بعدها مشیرالدوله لقب گرفت، سه شاهداده فراری ایرانی (رضا قلی میرزا، تیمور میرزا و نجفقلی میرزا پسران حسنعلی میرزا فرمانروای فارس) و ... نهایتاً میرزا ملکم خان که منادی غربگرایی و وابستگی به غرب بود .

فراموشخانه ملکم به فرمان ناصرالدین شاه در ۱۲۷۸ پس از چهار سال فعالیت و وارد کردن تعداد قابل توجهی از اعضای دربار و افراد متنفذ به جرگه فراماسونری، تعطیل شد. اما بعدها مجمع آدمیت و جامع آدمیت براساس تعالیم ملکم تأسیس شده به فعالیت جدی مشغول شدند. با تشکیل لژ بیداری در ۱۳۲۵ قمری که از حساسترین مقاطع تاریخ معاصر ایران است مداخلات گسترده این لژ در امور مربوط به نهضت مشروطه اوج می‌گیرد و نهایتاً منجر به حاکمیت این لژ بر روند نهضت و جریانهای اجتماعی کشور می‌گردد .

لژ بیداری درخصوص اداره کشور از لژ گراند اوریان فرانسه نیز کمک می‌گرفت، برای مثال می‌توان به استخدام آدولف پرني دادیار دادستان پاریس به عنوان مستشار وزارت عدلیه اشاره کرد که با تقاضای حسن پیرنیا وزیر عدلیه و کمک مؤثر گراند اوریان فرانسه صورت گرفت . در سال ۱۳۲۸ مقدمات تشکیل لژی به نام پهلوی به وسیله فردی به نام محمدخلیل جواهری در ایران فراهم شد، همانطور که می‌دانیم این سالها مقارن با شروع نهضت ملی شدن صنعت نفت و بروز اختلاف بین ایران و انگلستان بر سر این موضوع بود. دخالتهای گسترده لژ پهلوی در دعوی مزبور به نفع انگلستان، به اثبات می‌رساند که لژ پهلوی اساساً برای مبارزه با نهضت ملی شدن نفت ایران به وجود آمده بود .

دخالت لژهاي فراماسونري در عرصه‌هاي اجتماعي و سياسي و فرهنگي پس از سقوط دولت دكتر مصدق نيز همچنان تا پيروزي انقلاب اسلامي ادامه پيدا كرد. يكي از جالب‌ترين وقايعي كه پرده از دخالت گسترده ماسونها در امور كشور و توطئه‌هاي پنهاني آنان برمي‌دارد اتفاقات مربوط به انتخابات دوره بيستم مجلس شوراي ملي است كه بر اثر مخالفت ماسونها با دكتر اقبال، كه از فرمانبرداري كامل از دستورهاي لژهاي انگليسي و مشخصاً لژ روشنايي و لژ تهران خودداري كرده بود، روي داد . شدت مخالفتها كه موجب مستأصل شدن اقبال گرديده بود وي را به صرافت انداخت كه با توسل به برادران ماسون خود از شدت مخالفتها بكاهد، لذا به وسيله دكتر غلامرضا كيان از اعضاي لژ تهران به گردانندگان لژ روشنايي و لژ تهران پيام داد و از آنها خواست كه دست از مخالفت با وي بردارند، اين بار ماسونها كه حريف را درمانده يافته بودند پيغام دادند: هيچ‌گونه تعهدي درباره ادامه نخست‌وزيري شما نداريم . هدف عمده اين مقاله جلب توجه محققان تاريخ معاصر ايران به يكي از پديده‌هاي خطيري است كه متأسفانه كمتر مورد عنايت قرار گرفته و شايسته است كه با نگرشي نو به اين موضوع و تلاش و جست و جو در اين زمينه پرده از روي پاره‌اي ابهامات تاريخ معاصر ايران برداشته شود .

جاويد ايران بزرگ 2005/11/03

سازمان پارس و شوراي براندازي

B.P.6593 -- 75065 Paris Cedex 02 –France – TEL:

0033(0)140266048 – 49

FAX: 0033(0)140261235 – Site Web: www.pars1.com--

ww.sazmanepars.org

فراماسونری و استعمار بزرگ انگلیس

زمان , تاریخ و منبع ارسال 16.36 @ Oct 2005 => Ravabet Omomi :

در چهارصد سال اخیر ایرانیان بزرگترین ضربات را در طول تاریخ ایران خوردند، این ضربات نه تنها از جانب حمله‌های نظامی و بیگانگان بوده بلکه حتی از جانب خودی‌ها بوده است حکمروایی حاکمان نالایق خصوصاً شاهان قاجاریه و بدتر از آنها آخوندها و آخوندزادگان مملکت را به خاک سیاه نشاند .



مردم نیز با بی‌فکری و بی‌خیالی در امور مملکتی دست این چنین حاکمانی را باز گذاشتند تا به میل خود هر آنچه می‌خواهند انجام دهند، قاجارها بخاطر سفرهای اروپایی و خوشگذرانی نفت را به انگلیس و نصف خاک مملکت را به روسیه واگذار کردند در عوض مردم هم لام تا کام حرفی نزدند و سکوت اختیار کرده و اعتراضی نکردند از همان زمان بود که توطئه بزرگ انگلستان که تربیت آخوند بود شروع شد هر روز بر آمار سیدها و امامزاده‌ها و حضرات آقایان آخوندها افزوده می‌شد و مردم ساده لوح نیز حرفها و خرافات آنان را که چرندیاتی بیش نبود به اسم دین پذیرفتند .

اولین نفوذ فرهنگی سیاسی انگلستان توسط فراماسونها انجام گرفت هر چند که قبل از این دولت انگلیس در ایران دارای تعدادی سفیر بود اما دارای نفوذ چندانی نبود و توان کاری او در دربار ایران خلاصه می‌گشت همانطور که اکثر شما عزیزان نیز میدانید دربار قاجار دچار انحرافی همچون همجنس‌بازی بود در این میان پسری ۱۲ ساله در دربار ایران بسیار مورد توجه بود و از شاه ایران هدایا و پول فراوانی دریافت می‌کرد

به رسم آن زمان این پسر قصد جهانگردی کرد و در سفرهای خود به هندشرقی سفری کرد و در آنجا با لژ فراماسونری آشنا شد و به عضویت این لژ در آمد و اولین ایرانی عضو آن گشت. این پسر در مراجعت مورد توجه بسیار دولت فخیمه قرار گرفت و توسط سفیران انگلیسی که به دربار رفت و آمد زیادی داشتند تا حدودی تربیت و سپس آنچنان با کمک آنان پله‌های ترقی را طی کرد که در ۱۹ سالگی از بزرگان شد و دارای ثروتی عظیم گشت.

اطرافیان و مردم که این امر را از فراماسون بودن او میدانستند کم‌کم به طرف لژ فراماسونری کشیده شدند و اندک اندک تجار و بازرگانان و درباریانی که به مسافرت‌های خارج از کشور می‌رفتند به عضویت این لژ درآمدند و به این ترتیب اولین نفوذ فرهنگی دولت انگلیس در ایران با تأسیس لژ فراماسونری توسط پسری که هم‌خواه شاه بود آغاز شد. در این دوران بود که مسئله فتوای تحریم تنباکو پیش آمد و دولت انگلیس هر چند در این مسئله ضرر مالی چندانی نکرد اما کینه بسیاری به دل گرفت در عین حال این مار زخم خورده متوجه نفوذ آخوندها در بین مردم شد پس از این تجربه، دولت انگلیس سیاست نفوذ به وسیله مذهب را در رأس کار خود قرار داد در این شرایط بود که دولت انگلیس با خریدن و تطمیع بسیاری از وطن‌فروشان در کربلا و نجف اولین گام‌های این نفوذ را برداشت، در عین حال هم‌زمان در داخل کشور مأموران انگلیسی با لباس مبدل در مجالس ذکر و روضه، در تکایا، در مساجد و برخی اماکن حضور می‌یافتند و در تاریکی شب، نور چراغ‌قوه‌های خود را روی در و دیوار یا قبرها می‌انداختند و مردمی که تا آن زمان چراغ قوه ندیده بودند این نور را از جانب خدا و اولیای خدا می‌دانستند و از فردای آن شب آن محلها به محل تجمع و گریه و زاری تبدیل می‌شد و مردم به جای کار و تلاش به آن محلها روی می‌آوردند و بر سر و روی خود میزدند و به این ترتیب مردم ایران روز به روز خرافاتی‌تر می‌شدند و فکر مردم همه آن بود که در این اماکن جمع شوند تا بلکه بار دیگر نور خدا یا ولی او را ببینند.

در این مدت که سفیران انگلیس در ایران زمینه‌های جهل و خرافات را بنا

نهاده بودند و جهالت در بین مردم در اوج خود بود دست‌پرورده‌های انگلیس در نجف و کربلا رشد کرده و هنگام ثمردهی آنان فرا رسیده بود، ورود شاگردان جدید استعمار «آخوندها» به نقاطی خاص از ایران شروع شد مناطق هدف، شهرهایی چون تبریز، قم، مشهد، و بیشتر شهرهای شرقی ایران بودند «در مورد دلایل انتخاب مناطق شرقی در آینده توضیح می‌دهیم» در این شهرها خرافات مذهبی رواج بیشتری داشت. ورود شاگردان استعمار به مرور و اندک اندک بود تا مردم نسبت به این امر کم‌کم عادت کرده و از خود عکس‌العملی نشان ندهند در عین حال آخوندهای دست‌پرورده با بخشش پولهای ملکه در بین مردم و کمک به ساختن مساجد و تکایا و ... در بین مردم شروع به کسب اعتبار می‌کردند و اما سفیران انگلیس در همین زمان توطئه شوم دیگری را به راه انداختند که هدف از آن، کار انداختن نه عوام بلکه ادیبان، دانشمندان و قشر تحصیل کرده بود زیرا از این امر مطمئن بودند که این دسته از طریق خرافات دینی از پا در نمی‌آیند پس راه حل، رواج افیون بود و بس. در این طرح مواد مخدر به صورت مجانی پخش می‌شد و سوخته آن به قیمت گزافی خریداری می‌شد و در این میان دربار، طبق معمول بیشتر در این گرداب فرو رفت.

آخوندها نیز در این زمان کار تبلیغاتی خود را شروع کرده بودند و روز به روز ذهن مردم را بیشتر شستشو می‌دادند.

انگلیسیها در سال ۱۸۰۰ میلادی هنگام سلطنت «فتحعلیشاه قاجار» سه تن جاسوس کهنه کار خود، «سرهارد فورد جونز»، «جیمز موریه» و «جی فریزر» را به ایران فرستادند تا با بررسی زمینه های تشکیل لژ فراماسونری اولین گامها را بردارند. این سه تن سالها به ارزیابی رجال، اشراف و روشنفکران ایرانی پرداختند و در نهایت تعدادی از افراد مستعد آنها را به محفل فراماسونری کشاندند، لژهای اولیه را بعدها «میرزا ملکم خان» گسترش داد.

فراماسونری در تاریخ صد ساله اخیر ایران مرکز ثقل تجمع و هدایت جریان «روشنفکری وابسته» محسوب می‌شود، بسیاری از شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دوران قاجار و پهلوی در لژهای مختلف

عضویت داشتند و مملکت را آن گونه که بیگانگان می خواستند اداره می کردند .

فراماسونری در شهرهای مختلفی مانند تهران، شیراز و آبادان محافل سری داشتند و با تشکیل هسته های مختلف در مراکز سیاسی، اقتصادی، نظامی و بویژه فرهنگی نبض کشور را عملاً در دست گرفته بودند. در تهران، کلیسای انجیلی آمریکاییها در خیابان «قوام السلطنه» (سی ام تیر کنونی) مرکز جلسات فراماسونرها بود نشریه «شرق الوند» چاپ فرانسه سالها پیش نوشت «امکان ندارد ما فراماسونرها نبرد خود را با ادیان متوقف سازیم، برای يك فراماسون ضرر است که خود را از قید دین و هرگونه اعتقاد به خدا آزاد سازد».

فراماسونرها با اعتقاد به انسان مداری، لیبرالیسم فراگیر و همه جانبه مذهب گرایی در نشر تعلیم و تربیت غربی و مسخ فرهنگ ملی مردم ایران تلاشهای سازمان یافته ای داشتند. روشنفکران وابسته ای که به خدمت لژها در می آمدند همه همت خود را صرف تبلیغ ارزشهایی می کردند که همخوانی با باورهای مردم نداشت .

فراماسونرها طلایه دار وابستگی به بیگانگان بودند و باسازماندهی پنهان، کنترل مملکت را در دست گرفته بودند فاسد کردن خانواده ها و از بین بردن ارزشهای اخلاقی، از اصول اعتقادی آنها به شمار می آمد.

دریوگرافی «ملکم خان» آمده است: ملکم در تاریخ نشر مدنیت غربی مبتکر واقعی اخذ تمدن فرنگی بدون تصرف ایرانی بود، فلسفه عقاید سیاسی او در واقع تسلیم مطلق و بلا شرط درمقابل تمدن اروپایی بود. وی می گفت: «ماحتی نباید به خود اجازه دهیم درصدد اختراع باشیم».

ملکم خان عقیده داشت ایران در تمامی ارکان سیاسی و اقتصادی باید اصول تمدن غربی را بپذیرد، چرا که آئین ترقی همه جا بالاتفاق حرکت می کند .

نقش روشنفکرهای وابسته در خود باختگی میهنی نهفته بود و تعدادی از جریانهای روشنفکری در ایران از دوران قاجار به بعد بیمار و وابسته متولد شد، در طول تاریخ این سرزمین همیشه عناصر روشن بین و متفکری وجود داشته اند که با اندیشه های پیشرو و متعالی خود فرهنگ مردم را

غنا می بخشیدند و ملت را به حرکت و پوییش فرا می خواندند، اما باگذشت زمان شعار این افراد رو به کاهش نهاد و عده ای از روشنفکران ایرانی بتدریج به جریان وابسته ای تبدیل شد که عناصر و سردمداران آن یا شیفته غرب بودند و یا کعبه آمال خود را در شرق جستجو می کردند. مهمترین ویژگی کارنامه این روشنفکران، وابستگی است.

آغاز نهضت مشروطیت و بروز افکار جدید در جامعه، فرصت مناسبی بود که روشنفکران وابسته با جدیت بیشتری به نشر معیارها و مبانی فرهنگی بیگانگان پردازند. «فتحعلی آخوند زاده» سردمدار جریان روشنفکری وابسته به شرق بود و اگر از لحاظ تاریخی اولین بانی نفوذ اندیشه جدید در ایران نباشد به لحاظ تأثیر عملی در تحقیق هدف شوم خود، اولین عنصر مؤثر در این زمینه بوده است.

وی که عملاً در نظام فکری روسیه پرورش یافته بود در تأثیر پذیری کامل از اندیشه های بیگانگان به تألیف نمایشنامه های ایرانی دست زد. در این نمایشنامه ها که به تقلید از نویسندگان اروپایی تحریر می شد، فرهنگ ملی ایران مورد استهزاء و تمسخر قرار می گرفت و با هجو باورهای مردم، آرمانهای بیگانه راه نجات از بدبختیها، معرفی می شد.

جناح مقابل روشنفکران وابسته به روس، منورالفکرهایی قرار داشتند که غرب را تمدن برتر تاریخ می پنداشتند. «میرزا ملکم خان» از چهره های مشهور این جناح است. اوسعی کرد با سیاست به منظور خود دست یابد، وی که بنیانگذار یکی از لژهای فراماسونری در ایران است شیوه دیگری را برای پیشبرد کارش اتخاذ کرد که او سعی نمود افکارش حتی ظاهر مذهبی نیز به خود بگیرد. میرزا ملکم خان «اخذ تمدن بدون تصرف ایرانی» را مطرح کرد و سپس این ایده بر انقلاب مشروطیت نیز حاکم شد.

میرزا ملکم خان و روشنفکران وابسته امثال او از عوامل مهم عقب ماندگی فرهنگی ما محسوب می شوند، خود باختگی و خود کم بینی این گونه افراد در برابر پیشرفتهای صنعتی و مادی غرب آنها را خواسته یا ناخواسته به پایگاههای داخلی مهاجمان فرهنگی مبدل می سازد. تاریخ اکثر کشورهای آفریقایی و آسیایی گواه این مدعاست که تأثیر پذیری روشنفکران از

معیارها و باورهای غربی آنها را عملاً به مدافعان سرسخت تقلید از غرب تبدیل کرده است .

روشنفکران وابسته که در محافل غربی از آنها با تعبیر نخبگان فرهنگی یاد می شود در شاخه های مختلف علم و ادب و هنر حضوری فعال دارند و در آثار خود پنهان و یا پیدا تقلید از الگوهای غربی را تنها راه رسیدن به رفاه و آسایش و خوشبختی توصیف می کنند. ملت ایران باید تاریخچه این ۱۵۰-۲۰۰ سال اخیر، از دوران اواسط قاجار و جنگهای ایران و روس به بعد را بخوانند و ببینند چه حوادثی در این کشور روی داده است .

یکی از این حوادث، ایجاد جریان روشن فکر وابسته است. ما نمی توانیم بگوییم که در طول تاریخ ایران روشن فکر نداشته ایم .

همیشه در همه دورانها و عصرها روشنفکرانی بوده اند که جلوتر از زمان می اندیشدند و حرکت می کردند، اما زمانی که غرب مسلط به تکنولوژی و علم، خواست در ایران پایگاه تسلط خود را محکم بکند از راه فریب و به نوکری گرفتن عده ای از به اصطلاح روشنفکران وارد شد. عده ای از آنها وابسته به روسیه بودند. مثل میرزا فتحعلی آخوند زاده و بعضی دیگر وابسته به اروپا و غرب مثل میرزا ملکم خان و امثال او... ادامه دارد

جاوید ایران بزرگ 2005/10/13

سازمان پارس شورای براندازی

B.P.6593 -- 75065 Paris Cedex 02 –France – TEL:

0033(0)140266048 – 49

FAX: 0033(0)140261235 – Site Web: www.pars1.com--

ww.sazmanepars.org

info@sazmanepars.org **** info-Iran@wanadoo.fr Email

: